

خلاصه تفسیر سوره حمد - تلخیص شده از کتاب تسنیم جلد اول - آیه الله جوادی آملی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی که دارای همه کمالات وجودی است.، خدایی که اعطا و افاضه ای فراگیر برای رفع حاجت نیازمندان (رحمت فراگیر) دارد و خدائی که اعطا و افاضه ای ویژه برای رفع حاجت مومنان (رحمت خاص) دارد .

الحمد لله رب العالمين

ستایش مخصوص خدایی است که همه کمالات را دارد و ساق دهنده هر موجود به سمت کمال لایق است .

این پرورش دامنه گسترده ای دارد که از ذره تا عظیمترین موجودات را شامل می شود . پروراننده اصلی خداست و دیگر مریبان در طول خداوند به پرورش اشتغال دارند . شیاطین علف هرز و خداوند شجره طیبه پرورش می دهد . می توان زدودن اندوه ، بر کندن کینه ، حسد و رساندن انسان به بهشت و نعم او را از جمله عملکردهای حضرت رحمان در خصوص پروراندن انسان به حساب آورد .

الرحمن الرحيم

ستایش مخصوص خدایی است که اعطا و افاضه ای فراگیر برای رفع حاجت نیازمندان و اعطا و افاضه ای ویژه برای رفع حاجت مومنان دارد.

مالك يوم الدين

ستایش مخصوص خدایی است که مالکیت مطلقش در روزی که دین با همه ابعادش ظهور می کند بروز می کند.

اياك نعبد و اياك نستعين

شناخت و پذیرش اسمای حسناى خداوند (الوهیت ، ربوبیت ، رحمانیت ، و مالکیت) انسان غایب از خدا را به محضر او آورده ، شایسته خطاب باری می کند و از این رو عبد سالک پس از معرفت خدا و اعتقاد به اسمای حسناى او ، خود را در محضر خدا یافته ، با التفات از غیبت به خطاب می گوید:

بار خدایا همه عوالم هستی و من ، تنها تو را می پرستیم و در همه شوون هستی خود حتی برای پرستش تنها از تو یاری می جوئیم.

سر التفات از غیبت به خطاب:

اگر برای کسی ثابت شد که خدای سبحان جامع همه کمالات وجودی است (الله) و بر سراسر عوالم هستی ربوبیتی مطلقه دارد (رب العالمین) ، رحمت مطلقه او بر هر چیزی سایه انداخته است (الرحمن) ، رحمت مخصوصی برای مومنان و سالکان راهش دارد (الرحیم) و سرانجام مالکیت بی مرز او در یوم الدین ظهور می کند (مالک یوم الدین) لذا جز او هیچ موجودی شایسته حضور و خطاب نیست و آنگاه به همه این معارف ایمان آورده و چنین کسی که تاکنون غایب بوده چون نور ایمان آمده ، در هستی به حساب آمده و از غیبت به حضور آمده است و خود را در محضر خدای سبحان می بیند و لیاقت مخاطب پیدا می کند. پس تفاوت در متکلم است که از غیبت به حضور آمده است نه مخاطب که هرگز غایب نیست ولی کسی که این اسمای حسنا را درک نکرد و یا نپذیرفت شایسته مخاطب قرار گرفتن نیست . و حق قرار گرفتن در محضر خدا را ندارد زیرا او غایب است گر چه خداوند مشهود مطلق است.

ما را به راه راست، راهی که چون خود عهده دار حفظ آنی، از کجی و اعوجاج و دستبرد شیطان مصون بوده و در آن از استقامت و پایداری برخورداریم و ما را به لقای مهر ارحم الراحمین و نه لقای قهر اشد المعاقبین می رساند، برسان.

راهی که مصادیق آن همانا دین، قرآن و پیشوایان معصوم هستند و ره پویی را برای سالک آسان کرده و او را موفق به شهود اسرار و حقایق چون دیدن درون گناه کرد، تا بتواند سفر خود را از رب العالمین شروع و به مالک یوم الدین ختم نماید.

- ❖ این هدایت که همانا ایصال به مطلوب است و نه ارائه طریق، تکوینی است.
- ❖ چون پویایی انسان دائمی است و راه حق نیز مراحل فراوانی دارد، عبد سالک باید همواره هدایت به صراط مستقیم را از خدا بخواهد.
- ❖ صراط بزرگراهی است که از فطرت انسان ها شروع شده و به خدا ختم می شود لذا یک راه بیشتر نیست.
- ❖ چون راه انسان به سوی خدا مقاطع و مراحل فراوانی دارد و انسان به هر مرحله از مراحل کمال که نایل شد، برای حفظ آن به دوام افاضه نیازمند و از سوی دیگر برای رسیدن به مراتب برتر نور هدایت می خواهد.
- ❖ تشریح لازم است اما کافی نیست لذا هدایت تکوینی که همانا نور بصیرت درونی است به عبد سالک مصونیت می بخشد.
- ❖ هدایت نه تنها دانش دل بلکه بینش دل است و مهتدی کسی است که نه تنها حق را بداند بلکه آن را ببیند. مانند رویت درون گناه.
- ❖ نماز گزار از خدا در این آیه مسئلت معیت و همراهی ویژه ای که خدای سبحان با محسان و صالحان دارد، را دارد و محصول آن همین هدایت خاص تکوینی است.
- ❖ مهتدی کسی است که راه را به درستی شناخته، آن را درست می پیماید.
- ❖ گمراه (ضال) کسی است که راه را نشناخته و یا به درستی طی نمی کند.
- ❖ غاوی (غی) انسان بی هدف است.
- ❖ کسی که با سلامت زیسته، با سلامت می میرد و کسی که با سلامت مرده باشد، در قیامت به سلامت برانگیخته می شود و این همان هدایت به صراط مستقیم است.
- ❖ هدایت تکوینی هدایتی است که مشمول گروهی خاص می شود و گرنه هدایت تشریحی برای همه انسانهاست.
- ❖ کار پیامبر رساندن (تبلیغ) احکام دین به همه انسانهاست و تنها گروهی خاص بر اثر پذیرش هدایت تشریحی دلهاشان نورانی و به صراط مستقیم هدایت می شوند.
- ❖ همانگونه که خدای سبحان در پاسخ عبد مستعین (ایاک نستعین)، راه برخورداری از استعانت را بیان کرده است (استعینوا بالصبر و الصلوه - بقره آیه ۴۵ و ۱۵۳) در پاسخ عبد سالکی که طالب هدایت تکوینی است (اهدنا الصراط المستقیم) نیز راههای وصول و دستیابی به آن را بیان کرده است که همان بهره بردن از هدایت تشریحی و گرویدن به آن سپس اطاعت و عبادت و انابه مانند آن است.
و من یومن بالله یهد قلبه - تغابن / ۱۱ (و هر کس به خداوند ایمان آورد دلش را هدایت کند).
و ان تطیعوه تهتدوا - نور / ۵۴ (و اگر از او اطاعت کنید هدایت می یابید).
یهدی الیه من اناب - رعد / ۲۷ (و هر کس که رو به او آورده باشد به سوی خویش به راه می برد).
- ❖ استعانت و مسئلت هدایت عمومی در سوره حمد اینست که جامعه امن و بی تزاخم تنها با هدایت و حرکت همه به یک سو تامین می شود. (واحد بودن مقصد و نبودن مزاحم، شرط سالم به مقصد رسیدن است).

- ❖ راهیان صراط مستقیم به تعلیم و هدایت الهی، هدایت همگان را در پیمودن راه مسئلت می کنند و آنان مددکار یکدیگرند نه مزاحم همدیگر.
- ❖ حرکت در صراط مستقیم جز معتقد، متخلق و عامل شدن چیز دیگری نیست و این حرکت نیز در جان خود انسان بوده و سیری نفسانی است از این رو قرآن به مومنان توصیه می کند که مراقب و ملازم جان خود باشند و آن را رها نکنند. (یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم - مائده / ۱۰۵ - ای مومنان شما مسئولیت (حفظ و هدایت) خودتان را دارید.) **پس سالک و صراط با هم متحدند.**
- ❖ اختلاف نحوه عبور از صراط در قیامت، بازتاب نحوه پیمودن صراط مستقیم در دنیاست، آنان که در دنیا صراط مستقیم را به آسانی و با رغبت پیمودند، آنجا نیز همانند برقی جهنده از آن می گذرند، اما اگر در دنیا گاهی پایبند دیانت و زمانی هم بدنبال راه های انحرافی بودند صراط آخرت را افتان و خیزان طی می کنند.
- ❖ تشخیص صحیح علمی حق همانند دیدن موی باریک در تاریکی شب سخت است و استقامت در بستر صراط نیز همانند حرکت بر لبه تیز شمشیر دشوار است.

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

- راه کسانی که به آنان نعمت های باطنی چون ولایت، تایید الهی و ... دادی تا آنان توفیق پیمودن صراط مستقیم را که راهی باریکتر از مو و برنده تر از شمشیر را در پرتو همراهی با نعمت یافتگان (اسوه ها) به آسانی و خوبی ببینند. (الرفیق ثم الطریق و یا حسن اولئک رفیقا - سوره نساء / ۶۹)، کسانی که نه مغضوبند و نه گمراه و این غضب و گمراهی از طرف ذات اقدس تو نمی باشد، چرا که جز خیر و رحمت از تو نازل نمیشود بلکه ضلال و غضب از سوی شما کیفری است که تبهکاران به سوء اختیار برای خود برگزیدند.
- ❖ نعمت یافتگان، پیامبران (همان برگزیدگان خدای سبحان که از طریق وحی الهی، تعلیم و تربیت بشر را بر عهده دارند)، صدیقان (کسانی که در مقام اعتقاد، اخلاق و عمل اهل صدق باشند)، شهیدان (در فرهنگ قرآن شاهدان اعمالند، کسانی که چه در بیداری و چه در خواب در حال شهودند.) و صالحان (کسانی که صلاح صفتی مستمر و مربوط به مقام و گوهر ذات آنان است.) هستند.
 - ❖ اگر موجود مکلف مختاری همانند انسان نبود، ضلالت و غضب نیز وجود نداشت، تنها انسان است که راه را کج می کند، و گرنه همه موجودات در صراط مستقیم و پیوسته در حال عبادت و تسبیح خدا هستند.
 - ❖ مراد از نعمتهای تعلق گرفته به نعمت یافتگان، نعمتهای ظاهری که ابزار اغوای انسانها و ابزار شیطنت شیطان میباشد نیست.
 - ❖ نعمت یافتگان در مرتبه ای واحد نیستند: گروهی از اصحاب میمنت و گروهی جزو مقربان. مقربان از نعمتهای خاص، اصحاب میمنت از نعمتهای آمیخته بهره مندند.
 - ❖ شرط همراهی با ابرار در مرگ همراهی با آنان در دنیاست و گرنه آنان که در دنیا پیوندی با صالحان و ابرار ندارند، در مرگ و برزخ و قیامت نیز با آنان همشین نیستند.
 - ❖ پیمودن صراط مستقیم دشوار است، زیرا همسفرانش گرچه بزرگانند لیکن اندکند و این راه طولانی را، با همسفرانی اندک باید طی کرد.